

علی اقلیدی نژاد

دو عامل

ارزنده در

تربیتی سازنده

بی توجهی به چارچوب‌های آن نه تنها اثر تربیتی در پی نداشته باشد بلکه به عاملی مهار گسیخته در جهت پدیدآوری واکنش‌های منفی تبدیل شود. از این رو بایستی در به کار بردن آن بسیار دقت نمود. زیرا ممکن است ملامتی کوتاه - بدون توجه به قواعد تنبیه - موجب نفرت و افشاندن بذر کینه در دل‌های پاک کودکان شود. بر همین اساس مولای تربیت یافتگان می‌فرماید: «الْأَفْرَاطُ فِي الْمَلَأَمَةِ يَشْبُ نِزْرَانِ اللَّجَاجِ؛^۱ زیاده‌روی در ملامت و سرزنش، آتش لجاجت را شعله‌ور می‌سازد.»

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان

تنبیه، شیوه‌ای ارزنده، عاملی

بازدارنده

بی‌گمان در تربیت کودکان گریزی از تنبیه نیست و نمی‌توان آن را یکسره به کنار نهاد. از همین بابت تشویق و ترغیب را قائل (کسی که چهار پا را از جلو می‌کشد) و تنبیه را سائق (کسی که از پشت حیوان را می‌راند) نامیده‌اند. چرا که هر دو عامل برای حرکت تربیتی کودک لازم است، تا یکی انگیزه ایجاد کند و دیگری از در مانده شدن و مقاومت جلوگیری کند. اما باید به این نکته توجه نمود که بکارگیری تنبیه در تربیت بسیار حساس و دشوار است و این امکان وجود دارد که بر اثر

ناپسند می‌نماید. از همین رو با برداشته شدن سایه تنبیه، رفتار ناپسند باز می‌گردد. به همین جهت بهتر است به جای استفاده از تنبیه، از روش‌های تشویقی بهره جست، زیرا انگیزه‌های درونی را ایجاد نموده، تقویت می‌نماید و به تغییر رفتار منجر می‌شود. «در یک آزمایش، ۱۶۰ دانش‌آموز را که معلومات آن‌ها برابر و سن آن‌ها نیز یکسان بود به چهار گروه مساوی تقسیم کردند. هر یک از این گروه‌ها می‌بایست به ۳۰ پرسش در مدت ۱۵ دقیقه پاسخ دهد. هر روز پس از پایان کار، افراد گروه اول را جلوی دیگران آورده، آن‌ها را به جهت اشتباهاتشان بدون آن که خود افراد گروه از اشتباهات خود باخبر باشند سرزنش می‌کردند. در مورد گروه دوم به عکس گروه اول عمل شد؛ به این ترتیب که افراد را به علت مسائل جدیدی که حل کرده‌اند تشویق می‌کردند، بدون آن که اشتباهاتشان را تصحیح کرده، به آنان گوشزد کنند.

در مورد گروه سوم که شاهد این گونه تشویق‌ها و تنبیه‌ها بودند هیچ اقدامی صورت نپذیرفت. گروه چهارم

نتیجه گرفت، تنبیه، اجبار و وادار سازی، یک روش اساسی و اصلی در تربیت کودکان نیست و همان گونه که آمد دارای مرزهای دقیق و ظریفی است که باید مورد توجه ویژه و حتمی قرار گیرد.

انواع تنبیه

تنبیه، همانند تشویق، از دامنه و طیفی گسترده برخوردار است. نگاه ناخشنود و خشم‌آلود، بی‌اعتنایی، قهر، توبیخ، سرزنش آشکار یا پنهان، محرومیت از گردش، تفریح و بازی، بی‌توجهی به خواست‌ها، خشونت و تندی، شدت عمل یا تنبیه بدنی و ... همگی در زیر عنوان تنبیه جای می‌گیرند. اما همانطور که در تشویق نیز گفته شد، نکته اساسی در بکار بردن این شیوه تشخیص مراحل رشد کودک است، تا بتوان با توجه به آن تنبیه متناسب را انتخاب نمود.

تشویق، تنبیه، کدامیک؟

تنبیه اگر چه عامل بازدارنده به شمار می‌رود، ولی معمولاً انگیزه‌های درونی و خواست‌های پنهانی کودک را تغییر نمی‌دهد، بلکه وی را مجبور به انجام رفتار مطلوب و ترک رفتار

می‌تواند یکی از شگردهای مبلغان دینی و مربیان در برخورد با کودک، به شمار رود. اما باید توجه داشت که روح لطیف کودک توان و طاقت بزرگسالان را ندارد و ممکن است به انزوا و دوری وی بیانجامد. از این رو بهتر است تنبیه عاطفی طولانی نشود. در این زمینه روایت جالب و قابل توجهی وجود دارد. مردی به حضرت علی علیه السلام از فرزند خویش شکایت آورد. حضرت فرمودند: «فرزندت را نزن ولی برای ادب کردنش از او قهر کن. ولی مواظب باش که قهرت طولانی نشود و زود با او آشتی کنی.»^۳

تنبیه‌های خطرآفرین

بعضی از گونه‌های تنبیه، هرگز نباید مورد استفاده قرار گیرد، مانند تحقیر، اهانت، استفاده از کلمات نیش‌دار و زهر آگین، کنایه زدن، مقایسه کردن و ...

این گونه تنبیه‌ها موجب ورشکستگی روحی در کودک می‌شود، شخصیت او را لگدمال می‌نماید و تربیت او را دچار اختلال می‌سازد. زیرا وی را به سوی لجاجت،

در اطاق دیگری به پاسخ‌گویی می‌پرداختند و هیچ اطلاعی از این برنامه نداشتند. در آغاز کار متوسط نمره‌های هر چهار گروه مساوی بود و افراد هر گروه به طور متوسط ۱۲ پرسش از ۳۰ پرسش را جواب می‌دادند. اما از روز سوم وضع تغییر کرد. به این ترتیب که متوسط نمره گروهی که افراد آن تشویق و تحسین می‌شدند رو به افزایش نهاد و میانگین نمره گروهی که سرزنش می‌شدند رو به کاهش گذاشت. دو گروه دیگر وضع ثابتی داشتند و در پیشرفت و عدم پیشرفت آن‌ها تغییر خاصی مشاهده نشد.^۲

بسنابراین روش پسندیده و سودمند آن است که رفتارهای ارزشمند کودک هر چند کوچک باشد مورد تشویق قرار گرفته، ستایش شود تا زمینه برای موفقیت‌های بعدی او فراهم آید.

تنبیه عاطفی

یکی از موثرترین روش‌های تنبیهی، تنبیه عاطفی است. بی‌اعتنایی به کودک و بی‌توجهی به درخواست‌های او و حذف عاطفی وی

گستاخی، لابلالی‌گری و بی‌بند و باری می‌کشاند. بنابراین حفظ کرامت و احترام کودکان در تنبیه امری بایسته و لازم به شمار می‌آید. داستان واقعی زیر می‌تواند درسی آموزنده برای مربیان و مبلغانی باشد که تربیت دینی را وجهه همت خویش ساخته‌اند.

«دختر جوانی در ضمن خاطراتش می‌نویسد: به یاد دارم که در دوران کودکی، یک روز میهمان داشتیم. در اثر لجبازی کتک جانانه‌ای پیش مهمان‌ها خوردم، از مهمان‌ها خجالت کشیدم و بنا کردم به جیغ کشیدن و فریاد زدن. مادرم مرتب می‌گفت: خفه شو، عیب است که صدای دختر در بیاید، دختر ننگ است، می‌آیم خفه‌ات می‌کنم. او هیچ فکر نمی‌کرد که علت لجبازی و جیغ زدن من چیست. می‌خواست با این گونه حرف‌ها که مرا بیشتر ناراحت می‌کرد، مرا ساکت نماید، ولی من بیشتر جیغ می‌زدم.

در این موقع، مادرم به عقیده خودش بهترین تصمیم را گرفت.

لباس عروسک‌هایم را که خودم دوخته بودم و از جان بیشتر دوست می‌داشتم، آورد و پیش چشم من، آن‌ها را آتش زد. گویا تمام امید من قطع شد، به شعله آتش نگاه می‌کردم و اشک می‌ریختم. این حادثه وحشیانه، عقده‌ای برای من به وجود آورد که هنوز نتوانسته‌ام آن را فراموش کنم و مزارنج می‌دهد و گاهگاه به مادرم می‌گویم.^۴

از این رو باید به خاطر داشت که هدف اصلی در تنبیه، خرد ساختن و از بین بردن شخصیت کودک نیست. بلکه تنبیه عاملی ارزشمند در جهت حذف عادت‌های ناپسند با توجه به روحیات حاکم بر کودک و ظرافت‌های تربیتی مربوط به او می‌باشد.

تنبیه بدنی

تنبیه بدنی آخرین گام در تربیت به شمار می‌آید. تنبیه بدنی در بیشتر موارد می‌تواند سبب از بین رفتن صمیمیت‌ها و رشد نفرت‌ها گشته، کودکان را نسبت به زندگی و آموزش‌های دریافتی دلسرد نماید. کودک در تنبیه بدنی به موجودی

۱. تسلیم شدن در برابر زور برتر
۲. خرد شدن شخصیت و احساس عدم امنیت
۳. از بین رفتن نشاط و سرزندگی ویژه کودکان
۴. پیدایش صفت‌های ناپسند مانند دروغ‌گویی و فرافکنی
۵. از دست دادن انگیزه.

سخن غزالی نیز در این زمینه آموزنده است که خطاب به معلمان و مربیان کودک می‌گوید: «بر معلم کودکان است که آنان را به بیم و ترغیب تأدیب نماید نه به ضرب و تعذیب.»^۶

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- تحف العقول، ص ۸۴.
- ۲- راهنمای پدران و مادران، محمد علی سادات، ج ۲، ص ۹۸. به نقل از تعلیم و تربیت اسلامی، مراکز تربیت معلم، ص ۱۲۸، با اندکی تصرف.
- ۳- بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۱۴.
- ۴- الگوهای تربیت اجتماعی، ص ۲۲۴؛ به نقل از آیین تربیت، ص ۱۵۹.
- ۵- غرر الحکم، ص ۲۳۶؛ راهنمای پدران و مادران، ج ۲، ص ۱۰۵.
- ۶- راهنمای پدران و مادران، ج ۲، ص ۱۰۷. نقل از آراء مربیان بزرگ مسلمان درباره تربیت کودکان، محمد عطاران، ص ۷۳.

شکست خورده و بدبین که قدرت روحی خود را از دست داده است تبدیل می‌شود و زمینه برای بزهکاری و انواع انحراف‌ها در وی به وجود می‌آید. توجه به این مسأله در آموزش‌ها و تربیت دینی اهمیت دو چندانی پیدا می‌کند.

مربیان، مبلغان و والدین بایستی از تنبیه بدنی - به عنوان شیوه‌ای خارج از محدوده - در موارد بسیار خاص و ویژه سود برند و اصل را بر عدم آن قرار دهند.

امیر مومنان علی علیه السلام در مقایسه‌ای گرانبار بین تربیت انسان و حیوان چنین می‌فرماید: «إِنَّ الْعَاقِلَ يَتَعَطَّ بِالْأَدَبِ وَالْأَهْمَانِمَ لَا يَتَعَطُّ إِلَّا بِالضَّرْبِ»^۵؛ انسان عاقل به وسیله ادب تربیت و پندپذیر است و تنها چهار پایان (و حیوانات) هستند که جز با زدن اصلاح نمی‌شوند. «تنبیه بدنی نه تنها ممکن است به تخریب شخصیت کودک بیانجامد بلکه اثرات ناگوار زیر از جمله آسیب‌های هولناک آن به شمار می‌رود: